



بررسی تأثیرات مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه های جمعی در تعلیم و تربیت

دکتر سعید مظلومیان

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

s.mazlounian@gmail.com

فرید ماهی گیر

دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه پیام نور مرکز شیراز

farid.mahigir@gmail.com

چکیده:

تأثیرات و پیامدهای مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه های جمعی به عنوان یک پدیده نوین در اجتماعات انسانی در حال گسترش است. امروزه آشنایی با چالش ها نکات مثبت تربیتی این ابزار مدرن اهمیت وافری یافته است. هدف این پژوهش بررسی تأثیرات مثبت و آسیب ها و چالش های تکنولوژی و رسانه های جمعی در تعلیم و تربیت است. برای دستیابی به این مهم به روشی توصیفی - تحلیلی کتب مقالات مرتبط با آن مورد مطالعه قرار گرفتند. از جمله تأثیرات مثبت رسانه های جمعی و تکنولوژی در تعلیم و تربیت می توان به افزایش دانش عمومی متربیان، تقویت یادگیری انفرادی، تقویت فرایند اجتماعی شدن و آموزش مفاهیم مرتبط با آن، آشنایی متربیان با مشاغل و تسهیل فرایند انتخاب شغل اشاره کرد همچنین در باب چالش های مربوطه به تکنولوژی و رسانه های جمعی در تعلیم و تربیت می توان به تغییر نگرش انسان، نسبت به ماهیت خود و جهان، زوال بنیان تربیتی خانواده، زوال فرهنگ نوشتاری و گسترش فرهنگ شفاهی، حذف تعاملات اجتماعی از محیط تعلیم و تربیت، عدم تناسب محتوای رسانه های تصویری با ویژگی های سنی متربیان، عدم آگاهی فرگیران به مکانسیم های فنی استفاده از تکنولوژی، عدم برخورداری آموزش های رسانه ای از توالی و مدارج علمی وعدم کنترل بر محتوای آموزشی آن ها اشاره کرد.

واژگان کلیدی: تکنولوژی، رسانه های جمعی، تعلیم و تربیت



مقدمه

هماهنگی با تحولات دنیای در حال تغییر و دگرگونی، یکی از نگرانی های روزگار ماست. تغییرات سریع و روزافزون جوامع بشری، انباشته شدن حجم اطلاعات ودانش و توسعه ی فن آوری ها در قرن بیست ویکم، بیشترین توجه و تغییرات سریع در نظام آموزش و پرورش را جهت هماهنگی با تحولات فوق می طلبد. اندیشمندان، سیاست مداران، برنامه ریزان آموزشی وپدران ومادران، در سراسر دنیا تلاش می کنند، شیوه هایی بیابند که بتوان با استفاده از آنها، کودکان امروز را برای زیستن در دنیای غیر قابل پیش بینی فردا، آماده کرد. تعلیم و تربیت جدید از این لحاظ که با قوانین رشد سازگار است ساده تر از تعلیم و تربیت قدیم می باشد ولی سادگی با آسان بودن فرق دارد وانتخاب مطالب درسی وسازمان دادن آنها و اتخاذ روش صحیح در تعلیم، کار آسانی نیست (شریعتمداری، ۱۳۸۹، ۴۱).

به موزات تحولات چشمگیری که در عرصه فن آوری اطلاعات رخ داده و بهره وری پیچیده و گسترده ای که از رایانه و شبکه های اطلاعاتی صورت پذیرفته، در برخی از کشور ها، این احساس نیاز بوجود آمده که برای تحول بخشیدن به آموزش و پرورش، فن آوری اطلاعات را در آن وارد سازند یا گسترش دهند (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۸). با این حال بسیاری از متفکرین به نقد رسانه ها و تکنولوژی در عرصه آموزش و پرورش پرداخته اند آن ها معتقدند در ابتدا انسان ها از ابزار برای راحت تر ساختن اموراتشان استفاده می کردند، اما با گذشت زمان تکنوکراسی یا فن سالاری جای آن را گرفت. فن سالاری در تغییر خط مشی افراد تاثیر بسیاری داشته است. در اینگونه جوامع ابزار و تکنیک در اجتماع و فرهنگ هضم نمی شود بلکه به آن هجوم می برد و خود به فرهنگ تبدیل می شود. همچنین اعتقاد افراد مبنی بر استفاده از تلویزیون و دیگر تکنولوژی ها را برای پشتیبانی و تقویت روشهای سنتی تعلیم و تربیت را پوچ و عبث و خیالبافانه می دانند (پستمن ، ۱۳۸۴ ، ۱۹۲-۱۹۳).

مقوله تکنولوژی و رسانه های جمعی و بررسی تاثیرات آن موضوعی است که اخیرا در مباحث تخصصی تعلیم و تربیت مطرح گردیده و پژوهش های در در ارتباط با آن انجام گرفته است که در اینجا به چند نمونه از جدید ترین تحقیقات در این زمینه تحت عنوان پیشینه اشاره می گردد.



پیشینه پژوهش:

عباسی (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان دین، فناوری و تلویزیون از دید گاه نیل پستمین به این نتیجه دست یافت که تلویزیون بنا به ماهیت خود تصویری این جهانی از امور رائه می دهد و نمی تواند شرایط لازم برای ایجاد حالات معنوی و دینی را فراهم آورد.

احراری (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان به نقش رسانه ها در کنترل جامعه ضمن تبیین جایگاه رسانه ها در نظام سلطه و به این نتیجه دست یافت که ساختار زبان این امکان را در اختیار گروه توانمند قرار می دهد تا گفتمان حاکم بر جامعه را به نفع خویش سمت و سو بدهند. رسانه ها برای رسیدن به این مقصود به ایجاد مفاهیم ایدئولوژیکی دست می زنند.

ذوالفقاری مشهدی و همکاران (۲۰۱۱) ضمن بیان تاثیرات مثبت و منفی کلاس های دیجیتال بر آموزش به این نتیجه رسیدند که برای استفاده از کلاس های دیجیتال، برخی از ویژگی های و معیار ها باید رعایت شوند و دانش آموزان و معلمان باید آموزش دیده و واجد شرایط برای تحقق نقش خود باشند مدارس و سازمان باید توسعه یافته و آماده برای بافت جدید باشند.

کلودیا کوک^۱ (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان تاثیر رسانه در آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی ضمن بررسی تاثیر رسانه در آموزش رسمی و غیر رسمی به این نتیجه دست یافت که رسانه ها با توسعه علائق جدید، اوقات فراغت و ارائه گزینه های جدید سرگرمی و فرهنگی به نگرانی هایی در حوزه آموزش کودکان منجر شده است به گونه ای که استفاده بیش از حد از پیام های رسانه ها جایگزین فعالیت های فرهنگی و محتوای ارزشمند شده است و فعالیت های یادگیری فراگیران را مختل کرده است. همچنین راه حل گذر از این چالش را مجهز نمودن دانش آموزان به سواد رسانه ای می داند که در آن دانش آموزان از قدرت تفکر خود به خوبی در تجارب یادگیری خود استفاده می کنند.

فلورسکو^۲ (2014) در مقاله ای با عنوان تأثیرات مثبت و منفی رسانه های جمعی بر آموزش و پرورش، ضمن بیان تاثیرات رسانه ها بر آموزش و پرورش رسمی، غیر رسمی و ایجاد تغییرات قابل توجهی در رفتار و تجارب فرد به این مهم اشاره می کند که اگر مصرف کننده رسانه ها بر اطلاعات رسانه ها کنترل داشته باشند، رسانه های او را در راه منفی تحت تاثیر قرار نمی دهند.

ایوانوویچ^۳ (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان توسعه سواد رسانه ای به عنوان جنبه ای مهم از آموزش و پرورش مدرن، ضمن بیان این واقعیت که دانش آموزان در طول زمان تحصیل و یادگیری مهارت ها در معرض نفوذ رسانه ها قرار دارند، شکل گیری یک نگرش انتقادی نسبت به محتوای رسانه ها در دانش آموزان ضروری می داند. او داشتن سواد رسانه ای را راه حل مناسبی در این زمینه می داند.

کارلتون^۴ (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان ارتباط فرهنگ دیجیتال و هنر درمانی به بیان تاثیرات استفاده از رسانه های دیجیتال در ارتباطات روزمره و فرآیندهای زبان و تفکر پرداخته است و در این ارتباط گسترش استفاده آگاهانه از تکنولوژی رایانه را به جای تعصب ارتجاعی در برابر تکنولوژی، یا سازگاری کورکورانه نسبت به رسانه ها را پیشنهاد می کند.

¹ Claudia Cuc.

² floresku

³ Ivanović



لوئیس مارس^۵ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله ای با عنوان تاثیرات رسانه ها بر کودکان ضمن بیان اثرات مثبت و منفی رسانه ها بر کودکان در زمینه شناختی، عاطفی، اجتماعی و مرتبط با سلامت به این نتیجه دست یافته اند که داشتن استراتژی های مناسب در کاهش پیامدهای منفی برای کودکان موثر است.

کارادومان^۶ (۲۰۱۵) در مقاله ای با عنوان نقش سواد رسانه ای انتقادی در توسعه آگاهی شهروندی، سواد رسانه ای هر فرد را یک ضرورت برای جوامع مدرن دانسته است. او سواد رسانه ای را یک فرایند آموزشی مادام العمر، یک جنبش اجتناب ناپذیر و اقدامی عملی برای مربیان، دانش آموزان و همه شهروندان پنداشته و آن را در توسعه محیط های دموکراتیک و شرکت شهروندان آگاه و فعال در تفسیر پیام های شنوایی و چند رسانه ای با دیدی انتقادی موثر دانسته است.

مقاله حاضر در پی پاسخ گویی به این سوال است تاثیرات مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه های جمعی در تعلیم و تربیت چیست؟ برای پاسخ گویی به پرسش تحقیق سعی شده به روش توصیفی - تحلیلی با مطالعه کتب و مقالات مرتبط، تاثیرات مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه های جمعی در حوزه تعلیم و تربیت استخراج گردند.

در این راستا از جمله تاثیرات مثبت و منفی تکنولوژی و رسانه های در تعلیم و تربیت که از مطالعه کتب استنتاج شده اند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تأثیرات مثبت

۱-۱ افزایش دانش عمومی متریبان:

رسانه های جمعی یکی از منابع شناخت کودک و کسب اطلاعات او درباره ی چیده های جهان و انسان هاست. بیشتر کودکان در اتاق جراحی ، دادگاه ، پاسگاه پلیس ، زندان یا اتاق هیأت مدیره ی موسسه ای نبوده اند ، اما درباره ی هر یک از این ها اطلاعاتی دارند. بیشتر چیزهایی که درباره ی این موارد می دانند از طریق رسانه های جمعی مانند تلویزیون به دست آورده اند. اطلاعاتی که کودکان از طریق صفحه ی تلویزیون کسب می کنند، شاید کمتر از اطلاعات بزرگ تر ها نباشد، یا این تفات که کودکان تجربه ای کمتر از بزرگ سالان نسبت به زندگی دارند و به تبع آن ، آنچه که در این زمینه اهمیت زیاد دارد این است که کودکان می بایست آموزش های لازم برای برخورد انتقادی، منطقی و عقلانی با مسائل و موضوعات مختلف مطرح شده در رسانه های جمعی را داشته باشند (شرام، لایل و بی پارکر، ۱۳۷۷).

۱-۲ تقویت یادگیری انفرادی:

ظهور تکنولوژی های جدید و رسانه ها، شکل جدیدی از محیط یادگیری را ایجاد کرده است به نحوی که افراد قادرند در هر جا و در هر زمان به اطلاعات مورد نیاز خود دست یابند نکته مهم در این زمینه توانمند سازی دانش آموزان در برگزیدن و انتخاب اطلاعات مورد نیاز است به عبارتی دانش آموزان می بایست به مرحله خود رهبری برسند و قادر باشند فناوری های اطلاعاتی ارتباطی را در خدمت بگیرند نه این که خود به خدمت آن در آیند.

۱-۳ آشنایی متریبان با مشاغل و تسهیل فرایند انتخاب آن :

⁴ Carlton

⁵ Louise Mares

⁶ karaduman

⁷ Schramm & lyle & b parker



انتخاب شغل یکی از حیاتی ترین و مهم ترین بخش های زندگی هر فردی به حساب می آید.

مسیر واقعی انتخاب کار یا حرفه ممکن است با توجه به قابل رؤیت بودن شغل های خاصی که در قلمرو عمومی ، بخصوص از طریق رسانه های جمعی میسر می شود ، شکل می گیرد. رسانه های جمعی با روایات قالب بندی شده ی شغلی در کودک ایجاد می کند. که این می تواند کوتاه مدت یا بلند مدت باشد . (گوینز و آلر^۸، ۱۳۸۸). تبلیغات و پیامهایی که از طریق رسانه های جمعی در باب مشاغل منتشر می شود، می تواند تصمیم گیری های افراد را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه در این زمینه دارای اهمیت است این که دانش آموزان در انتخاب شغل استدلالی منطقی بین مولفه های استعدادها، توانایی ها، علایق ایجاد نمایند

۴-۱ تقویت فرایند اجتماعی شدن و آموزش مفاهیم مرتبط با آن

زندگی اجتماعی دارای شاخص ها و نمادهایی است . بدون شناخت نمادهای اجتماعی ، نمی توان در اجتماع زیست . در واقع ، مقدمه ی زندگی اجتماعی ، «اجتماعی شدن است» است . تولد کودک متقارن با اجتماعی شدن اوست . به همان نسبت که کودک رشد می کند ، باید همزمان رشد اجتماعی نیز داشته باشد ، زیرا رشد، پرورش و جامعه پذیری سه ماهیت همراه در وجود کودک است. اولین جایی که کودک اجتماعی شدن را می آموزد خانواده است . (کوئن^۹، ۱۳۸۲) ولی توان خانواده برای پاسخ گویی به این نیاز بزرگ ناچیز است . گرچه مدرسه در کنار خانواده تا اندازه ای خانواده را در این راه یاری می کند ، ولی به دلیل آن که نیاز کودک فراتر از این حد است ، باز هم این کمبود به وضوح مشهود است ، رسانه های جمعی مخصوصا تلویزیون به خاطر برنامه های فراگیر و متنوع ، بهترین وسیله ای است که می تواند این نیاز کودک را برطرف کند ، زیرا تلویزیون واسطه ای فراگیر است که در دسترس همه کودکان قرار دارد ..

کودکان از طریق تلویزیون ، درباره خود ، زندگی خود، چگونگی رفتار در شرایط گوناگون و چگونگی برخورد با مشکلات خانوادگی و شخصی ، چیز های زیادی می آموزند و اجتماعی شدن از طریق تلویزیون با توجه به ویژگی های تلویزیون و کودک ، از هر چیزی نافذتر است. (شرام، لایل و بی پارکر ۱۳۷۷)

به عبارتی رسانه های جمعی اطلاعات مورد نیاز و تجارب انسانی مشترکی را به میلیونها نفر ارائه می کنند و امکان استفاده از یک زبان مشترک را فراهم می سازند بدین ترتیب می توانند در انسجام و همبستگی اجتماعی نقش داشته باشد. مفاهیمی چون قانون گرایی مسئولیت پذیری اجتماعی نظم پذیری مشارکت اجتماعی و هویت یابی و... با استفاده از رسانه های جمعی و در قالب های هنری شعر موسیقی داستان نمایش و تصویر به شکل غیرمستقیم ارائه می گردد.

۲- تأثیرات منفی

۲-۱ تغییر نگرش انسان نسبت به ماهیت خود و جهان

تکنولوژی های جدید ساختار علایق و اندیشه های ما را عوض می کنند. به رمزها و معنای آنها و حتی وسایل تعقل و اندیشه، معانی دیگر و کاربردی دیگر می بخشند. جامعه و اجتماع معانی دیگر پیدا می کند. فضای رشد اندیشه و زمینه های آن تحول می یابد (پستمن، ۱۳۸۶، ۴۶). وسایلی مانند کامپیوتر با مفهوم و معنایی که به عصر حاضر می دهد معیارهای جدیدی برای رابطه ی ما با اطلاعات، کار، با ارکان قدرت و همچنین با طبیعت عرضه داشته است. او برجسته ترین نشانه ی این روابط جدید را این گونه می توان ترسیم کرد که کامپیوتر، وظیفه ی انسان را در پروسسور (PROCESSOR) بودن، یعنی گیرنده و ثبت کننده ی اطلاعاتی که باید پردازش شوند، قرار داده و طبیعت را نیز همچون اطلاعاتی تلقی می کند که باید ارزیابی و پردازش شود. به عبارتی مهم ترین پیام کامپیوتر را این می داند که ما ماشین هستیم، گرچه ماشینهایی هستیم که دارای قدرت تفکر است، اما در هر صورت انسان ها ماشین اند (همان: ۱۸۱).

⁸ Goinz & aller

⁹ quin



از آنجا که هر کدام از ابزارها و وسایل ارتباط جمعی به نوعی معین نظم و سامان دهی تفکر و اندیشیدن و نیز جذب و هضم تجربیات ما را هدایت می کند، لذا در شکل گیری حوزه های خودآگاهی و همچنین در شکل دهی به نهادهای اجتماعی ما نقشی گسترده و گوناگون دارد. این نقش تا آنجا پیش می رود که نه تنها در برداشت و استنباط ما از مفاهیمی نظیر تقوی و پارسایی و نیکی و زیبایی اثر می گذارد؛ بلکه حتی بالهای تاثیر خود را بر نوع و چگونگی برداشت و بیان ما از هستی و نگرش و باورمان نسبت به حقیقت می گستراند. حتی نوع رفتاری که ما نسبت به استنباطها و تصورات خود داریم متأثر از این ابزارها و وسایل است (پستمن، ۱۳۸۴، ۸۹). این در حالی است که رفتار و کردار و گفتار هر کس بر اساس بینش و نگرشی است که نسبت به جهان و هستی دارد. در واقع، اصول جهان بینی فکری و فلسفه زندگی، زمینه ساز رفتار و کردار فرد در زندگی بوده و اساس موضع گیریها و عکس العملهای اجتماعی اش را تشکیل می دهد. رسانه ها و تکنولوژی با چنین تاثیری که بر تغییر نگرش انسان نسبت به ماهیت خود و جهان می گذارند عرصه اندیشه ورزی، اخلاق و دیگر زمینه های تربیتی او را به شدت تحت تاثیر قرار می دهند. بنابراین در تعلیم و تربیت انسان شایسته، اولین مرحله حرکت، تغییر دادن و اصلاح جهان بینی و اصول و محتوای فکری اوست؛ چنانچه اصول فکری و اعتقادی فرد بر پایه و اساس صحیحی استوار باشد می توان از او رابطه مناسبی را با جهان، خود و دیگران انتظار داشت. وگرنه بدون داشتن نگرشی مناسب، چنین توقعی به دور از عقلانیت است.

۲-۲ زوال فرهنگ نوشتاری و گسترش فرهنگ شفاهی

نوشتن یعنی: مبادله ی اندیشه با هیچکس و در عین حال با همه کس. چه چیز شگفت انگیزتر از سکوتی است که هر کس هنگامی که متنی را پیش رو دارد با آن مواجه می شود و در مورد آن سوالی را مطرح می کند یا اینکه نویسنده به هنگام نوشتن، در پیش روی خود مخاطبی ناآشنا و یا خواننده ای نامرئی را می بیند و احساس می کند که شاید او آن متن را نپذیرد و یا در صورت پذیرش دچار سوءتفاهم شود.

بشر امروز تحولی خطرناک و عمیق را پذیرفته است، آن تبدیل جادوی نگارش به جادوی الکترونیک است. فرهنگی که چاپ کتاب در آن نقشی تعیین کننده دارد، شعور اجتماعی و افکار و مناظرات عامه ی آن جامعه غالباً در عمل از نوعی انسجام و هماهنگی و از نظام منضبطی از واقعیتها و اندیشه ها برخوردار است (پستمن، ۱۳۸۴، ۱۴۰). آنچه امروز بشر با آن سروکار دارد فروپاشی و از هم گسیختگی سریع پایه ها و زمینه های تعلیم و تربیتی است که بر محور الفاظ و عبارات آرام و مکتوب استوار بود و همزمان و با همان سرعت با ظهور نظام تعلیم و تربیتی مواجه هستیم که مبتنی بر شالوده های تصاویری الکترونی است که به گونه ی برق آسا در حرکتند و لحظه به لحظه تحول می یابند (همان: ۳۰۱). فرهنگ نوشتاری یکی از مظاهر مدرنیته شدن است دارای تاثیرات مثبتی در ساختار محتوای تعلیم و تربیت، حوزه اندیشه و تفکر انسان و همچنین روابط اجتماعی افراد در جامعه است به گونه ای که زمینه قانونمندی و پایبندی افراد به اشکال مختلف قوانین و مقررات جامعه را فراهم می کند. همچنین ارتباط خاصی بین متن چاپی و خواننده متن به علت عدم تغییر سریع مطالب چاپی ایجاد می شود به گونه ای که فرد می تواند توالی مطالب یادگیری را در طول سال های تحصیل حس کند. این در حالی است که تکنولوژی ها و رسانه های جمعی فاقد چنین دست آوردی برای بشریت هستند.

۲-۳ حذف تعاملات اجتماعی از محیط تعلیم و تربیت

در فرهنگی که ماشین به دلیل توانایی انجام هر کار و قابلیت تکرار بی نهایت هر عمل، بدون رابطه ی انسانی، جایگاه متعالی انسان را اشغال کرده و نمونه ی بارز شبه انسان گشته و به عنوان عامل ترقی محسوب می گردد، بدیهی است که ذهنیات و معنویات جایگاهی برای تجلی ندارند. تکنیک، نه فقط با چند بعدی بودن، پیچیدگی و تعدد معانی در آراء انسان می ستیزد، بلکه اصولاً مقوله های ذهنی را



دشمن خود می داند؛ (پستمن، ۱۳۸۶، ۲۴۸). مذاکره و مباحثه نوع و شیوه ی مبادله ی فکر است و در عین حال روش آموزش و ابزار بیان نیز هست. کلاس درس مکانی است با داد و ستدهای اجتماعی، جایگاه مقابل صفحه ی تلویزیون و رایانه مکانی است خصوصی. درحالی که در کلاس درس از آموزگار می توان سوال کرد و از او برای بهتر فهمیدن کمک گرفت. امکان سوال از صفحه ی تلویزیون وجود ندارد. درحالی که در مدرسه مسئله ی اساسی رشد زبان محاوره و پرورش گویش است، تلویزیون از بیننده ی خردسال خود فقط بذل توجه می طلبد. نکته ی دیگر این که رفتار کودک در مدرسه منجر به درک ظرافتها و رعایت آئینهای رفتار اجتماعی می شود و او را برای شرکت در اجتماع آماده می سازد (پستمن، ۱۳۸۴، ۲۹۹). این دگرگونی و تحول نتیجه ی قهری و ناخواسته ی تغییر در شکل و ابزار داد و ستدهای اجتماعی و مبادله ی آرا و اندیشه های مردمی و ماحصل اجتناب ناپذیر رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی و سیر تکاملی آنها است.

عموما تکنولوژی هایی مانند رایانه در ذات خود ویژگی فردگرایی را در انسان پرورش می دهند. اساساً تلویزیون، رایانه و دیگر تکنولوژی ها امکان برقراری رابطه متقابل طبیعی انسانی را از ما سلب می کنند، روابطی که فقط با حضور انسان ها در کنار هم محقق می شود، روابطی که انسان بواسطه آن بسیاری از حالات اصیل عاطفی و انسانی مانند همدردی، شادی، باهم بودن و ... که زمینه ساز زندگی اجتماعی آتی او هستند را تجربه می کند.

۲-۴ عدم تناسب محتوای رسانه های تصویری با ویژگی های سنی متربیان

نگاهی به کتاب ها و مواد درسی مدارس نشان می دهد که با چه جدیت و دقتی ایجابات سنین مختلف کودکان و دانش آموزان، توسط بزرگسالان مراعات گشته و مدنظر قرار گرفته است. پیام ها، اطلاعات، ایده ها، نظریات و تجربیات متناسب با شرایط روحی و جسمی دانش آموزان در سنین خاص، تدوین و تنظیم یافته است؛ اما در جامعه و فرهنگ مبتنی بر رسانه های جمعی، این سلسله مراتب آموزشی و اصول اطلاع رسانی از پایه و اساس ویران شده است (پستمن، ۱۳۷۸، ۱۵۱-۱۵۰). کتاب و ساختار آن که با سطوح مختلف درک و اندیشه و میزان دانش و اطلاعات قبلی و پیش زمینه خواننده ارتباط برقرار می کند، و از این لحاظ به درجات مختلف قابل تقسیم است.

در فرآیند تربیت آنچه مهم است اینکه، تربیت، سرعت بخشیدن به مراحل رشد نیست چرا که سرعت در فهماندن مانع سرعت در فهمیدن می شود. پژوهش های روانشناختی موید این امر است که سرعت بیش اندازه و به دور از توانمندی و فراتر از ظرفیت طبیعی کودک، فرایند درون سازی مفاهیم آموزشی و تربیتی را مختل می کند. به عبارتی هرگاه سعی کنیم چیزی را زودتر از موعد طبیعی به کودکان بیاموزیم آن ها را از کشف دوباره آن به وسیله خودشان باز داشته ایم (کریمی، ۱۳۹۰، ۸۸). بنابراین می توان چنین استنباط کرد که سازماندهی محتوا در رسانه های جمعی خصوصاً تلویزیون به گونه ای است که تناسب رشد کودک در آن لحاظ نمی شود و بخش عظیمی از محتوای ارائه شونده خارج از حد تجربیات یادگیری دانش آموزان می باشد به طوری که یادگیری را برای دانش آموزان دشوار و غیر ممکن می سازد.

۲-۵ زوال بنیان تربیتی خانواده

تاثیر روز افزون رسانه های ارتباط جمعی موجب گردیده پدران و مادران، هر روز بیشتر از پیش حس اعتماد به خود را در تربیت کودکان از دست بدهند؛ و به این باور کشانده شوند که قادر به اعمال تربیت نبوده و نمی توانند پاسخ گوی نیازهای فکری و جسمی فرزندان باشند. نتیجه ی قهری این بی اعتمادی به خود و این احساس ناتوانی، نه تنها سبب بی تفاوتی آنان نسبت به تاثیر رسانه ها گردیده، بلکه باعث شده است که به کارشناسان و متخصصانی روی آورند که مدعی هستند، بهتر از آنان می دانند خیر و صلاح کودکانشان



در کجاست. و این گونه است که هر روز بیش از پیش روان شناسان، جامعه شناسان، کارشناسان تعاون اجتماعی و نمایندگان نهادهای مدعی آینده نگری علمی، به حریم خانواده راه پیدا می کنند و پیوسته از قدرت نفوذ والدین کاسته و دیواره های جدائی میان آنان و فرزندان را قطورتر و بلندتر می سازند؛ آن هم به دعوت پدران و مادران (پستمن، ۱۳۷۸، ۲۹۹). این در حالی است که خانواده نخستین و مهمترین نهاد تربیتی است که انسان را تحت تاثیر و شاکله تربیتی وی سامان می دهد و از روشن ترین جلوه گاه های رحمت و مودت است که به دلیل مناسبت و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین تاثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جای می گذارد. اهمیت و تاثیر بنیان تربیتی خانواده به قدری است که بسیاری از دانشمندان و متولیان امور فرهنگی و تربیتی برای اصلاح و ترقی جامعه به سوی اصلاح، توانمند و سامانمند کردن نهاد خانواده بروند و تمام سیاستها و جهت گیری ها را متوجه تشکیل پایایی خانواده کنند تا نسلی فرهیخته و سالم تربیت شود.

۲-۶ عدم آگاهی فرگیران به مکانسیم های فنی استفاده از تکنولوژی

امروزه بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که راه تحول و پیشرفت در تعلیم و تربیت استفاده هر چه بیشتر از تکنولوژی های جدید در عرصه تعلیم و تربیت است. اما بهره مندی از کامپیوتر در آینده، الزاماً منجر به بهره مندی توده های عظیم جامعه از تفکر منسجم استدلالی و تحلیلی نخواهد شد. هستند گروه های سیاسی و سازمان های مالی و بازرگانی که به اقتضای منافع مادی خود، خواهان بهره گیری هر چه بیشتر مردم و جامعه از صنایع تفریحی و بازی های کامپیوتری هستند و تمایل چندانی به توجهات جامعه به ادبیات و فرهنگ نوشتاری و رواج تفکر استدلالی و کلام منطقی ندارند. منافع صاحبان سهام این گونه موسسات، اقتضا می کند که مردم یک جامعه هر روز بیشتر از پیش از کامپیوتر استفاده کنند و مورد استفاده آنان قرار گیرند، بدون آن که با مکانسیم فنی و علمی آن آشنائی داشته و به تبعات جبری آن واقف باشند (پستمن، ۱۳۷۸، ۲۹۷-۲۹۸).

هر وسیله و ابزاری که ما خلق می کنیم، در درون خود و به همراه خود ایده ای را نیز حمل می کند که تاثیر آن به مراتب وسیع تر از کاربرد مورد نظر اولیه ی آن وسیله و ابزار می باشد (پستمن، ۱۳۸۴، ۸۲). در استفاده از هر تکنولوژی مهم این است که استفاده کنندگان یک تکنولوژی ضمن آشنایی به مکانسیم های علمی آن به حوزه ها و تاثیرات نامرئی آن نیز واقف باشند و متولیان تعلیم و تربیت به جای پاسخ واکنشی در برخورد با این تاثیرات نامرئی، متریبان را به پاسخی فراکنشی مجهز سازند یعنی آن ها را به سازوکارهایی مجهز سازند تا با تشخیص مناسب، از تکنولوژی ها به نحو صحیح و درست استفاده کنند.

۲-۷ عدم برخورداری آموزش های تلویزیونی از توالی و مدارج علمی

رسانه های جمعی هر لحظه و هر زمان به موضوعی می پردازند. نظام تعلیم و تربیت و سیستم آموزشی تلویزیون فاقد مدارج است؛ هیچ کس را به هیچ دلیل نمی توان از ورود به این سیستم منع کرد. به زبانی دیگر، از آن جا که مقولاتی به نام استنتاج، استمرار، تداوم و پیوستگی در روند آموزشی به کنار زده شده و هیچگونه نقشی ندارند، لذا رسانه های جمعی مانند تلویزیون ضرورت قدرت استنتاج، به هم پیوستگی مطالب و مباحث را برای مقوله ای به نام اندیشیدن و تفکر کتمان می کند و آن را به دور می ریزد (پستمن، ۱۳۸۴، ۳۰۶). این در حالی است که اصولی مانند توالی عمودی و افقی امروزه به عنوان یک اصل اساسی در سازماندهی محتوای آموزشی همواره مورد اهتمام برنامه ریزان درسی است چرا که این توالی، پیوستگی و ارتباط تجارب یادگیری دانش آموز را فراهم می سازد و زمینه را برای درک و فهم عمیق تر مطالب فراهم می نماید. علاوه بر این آموزش های رسانه فاقد مدارج علمی در جامعه امروزی می باشد در حالی که بیشتر کسب و کار وابسته به مدارک علمی است.



۲-۸ عدم کنترل بر محتوای آموزشی

چگونه باید تلویزیون (کامپیوتر یا ابزارهای جمع آوری و طبقه بندی داده ها) را به کار گیریم تا بتوانیم بر روند جریان آموزش و پرورش کنترل و نظارت داشته باشیم (پستمن، ۱۳۸۴، ۳۳۹). اینکه کودکان و دانش آموزان به چه نوع اطلاعاتی دسترسی داشته باشد گذشته از تناسب با آستانه ارتقاء علمی و سنی آن ها از یک سو و از نظر اخلاقی از سوی دیگر نکته ای است که ملل گوناگون را بر آن داشته تا به ایجاد شبکه های ملی اقدام نمایند به گونه ای که با فرهنگ آن ها تناسب و همخوانی داشته باشد با این حال رسانه ها و تکنولوژی هایی مانند رایانه با داشتن امکان بالقوه برای ارائه مفاهیم مربوط به سنین بزرگسالی، اغلب آن ها را با چالش های روحی و عاطفی مواجه می سازند که تمام ابعاد اخلاقی، عقلانی و... متری را تحت تاثیر قرار داده و چه بسا فرد نتواند خود را از این بحران نجات دهد و در طول این مسیر هویت و اصالت اصیل خود را از دست بدهد.

نتیجه گیری:

از جمله آسیب ها و چالش هایی که تکنولوژی و رسانه ها در تعلیم و تربیت در پی دارد می توان به تغییر نگرش انسان نسبت به ماهیت خود و جهان، زوال فرهنگ نوشتاری و گسترش فرهنگ شفاهی، حذف تعاملات اجتماعی از محیط تعلیم و تربیت، عدم تناسب محتوای رسانه های تصویری با ویژگی های سنی متریبان، زوال بنیان تربیتی خانواده، عدم آگاهی فرگیران به مکانسیم های فنی استفاده از تکنولوژی، عدم برخورداری آموزش های رسانه ها از توالی و مدارج علمی، عدم کنترل بر محتوای آموزشی رسانه ها و تکنولوژی ها اشاره کرد که در اغلب این موارد داشتن نگرشی عقلانی و سواد رسانه ای را برای در امان ماندن از تاثیرات منفی رسانه ها و تکنولوژی مثرمتر می باشد. همچنین در باب تاثیرات مثبت رسانه ها و تکنولوژی در تعلیم و تربیت می توان به افزایش دانش عمومی متریبان، تقویت یادگیری انفرادی، تقویت فرایند اجتماعی شدن و آموزش مفاهیم مرتبط با، اشنایی متریبان با مشاغل و تسهیل فرایند انتخاب ان اشاره کرد

با اینکه بسیاری از اندیشمندان استفاده از تکنولوژی هایی مانند کامپیوتر و تلویزیون را ابزاری می داند که بسیاری از مفاهیم را تغییر داده است و زندگی را تحت تاثیر قرار داده و بهتر است بگوییم خسارتهای بیشتری وارد کرده است. به نظر محقق ساده انگاری است، اگر بپذیریم این اندیشمندان مخالف تکنولوژی به تمام معنا هستند. بلکه سعی آن ها در انتقاداتی که به تکنولوژی ها و رسانه ها وارد کرده اند این است که مردم را نسبت به روی دیگر سکه تکنولوژی متوجه سازد. به عنوان نمونه، کامپیوتر نیاز است اما ضرورت ندارد تا یک کودک ۳ساله هم درگیر آن شود. به عبارتی به کارگیری قدرت عقل، راه ممانعت سلطه تکنوپولی و ابزار مستقیم آن همچون رسانه را بر انسان امروزی است. زیرا هیچ وسیله و ابزاری به خودی خود چندان خطرناک و تهدیدکننده نخواهد بود اگر مصرف کنندگان آن ابزار به میدان و حوزه های مرئی و نامرئی خطرات آن واقف باشند. بنابراین می توان این گونه استنباط کرد درست است که هر تکنولوژی آسیب ها و چالش هایی را برای انسان امروزی به ارمغان می آورد اما اگر همین انسان چنانچه به سواد رسانه ای و تکنولوژیکی مجهز باشد به آسانی می تواند از تاثیرات منفی آن ها کاسته و از آن ها به در جهت تعالی زندگی خود و دیگران بهره گیرد.



منابع

- احراری، ابراهیم، ۱۳۸۲، نقش رسانه ها در کنترل جامعه. پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۷.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۷، در آمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران ج ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پستمن، نیل، ۱۳۷۸، نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.
- پستمن، نیل، ۱۳۸۶، تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.
- پستمن، نیل، ۱۳۸۴، زندگی در عیش مرگ در خوشی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.
- شرام، ویلبر، لایل، جک، بی پارکر، ادوین، ۱۳۷۷، تلویزیون در زندگی کودکان، ترجمه ی محمود حقیقت کاشانی، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما، ص ۵۱
- شریعتمداری، علی، ۱۳۸۹، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیر کبیر.
- عباسی، شهاب الدین، ۱۳۸۲، دین، فناوری و تلویزیون از دید گاه نیل پستمن. پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۵.
- کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۹۰، تربیت چه چیز نیست. تهران: وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه ی فرهنگی هنری منادی تربیت.
- کوئن، بروس، ۱۳۸۲، مبانی جامعه شناسی، ترجمه ی غلامعباس توسلی و رضا فضل، تهران، سمت، ص ۱۷۳
- گونز، بری، مک آلر، بیل، ۱۳۸۰، کودک و تلویزیون، ترجمه ی نصرت فتی، تهران، سروش، ص ۱۱۰

Claudia Cuc, M. (2014). The Influence of Media on Formal and Informal Education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 143, 68-72.

Florescu, O. (2014). Positive and Negative Influences of the Mass Media upon Education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 149, 349-353.

Ivanović, M. (2014). Development of Media Literacy – An Important Aspect of Modern Education. *Social and Behavioral Sciences*, 149, 438-442.

Karaduman, S. (2015). The Role of Critical Media Literacy in Further Development of Consciousness of Citizenship. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 174, 3039-3043.



Louise Mares, M. Kretz, V. (2015). Media Effects on Children. international Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), 35-41.

Carlton, N. (2014). Digital culture and art therapy. The Arts in Psychotherapy, 41, 41-45.

Zolfaghari Mashhadi, V. Kargozari, M. (2011). Influences of digital classrooms on education. Procedia Computer Science, 3, 1178-1183